

تحولات راهبردی جهان در سال ۱۳۸۷

سیدرسول موسوی^۱

در سال ۱۳۸۷ شاهد تحولات و تغییرات زیادی در عرصه‌های مختلف بین‌الملل بودیم. جهان در سال ۱۳۸۷ ضمن داشتن شباهت‌هایی زیاد با سال‌های قبل از تفاوت‌های قابل توجهی هم در مقایسه با سال‌های قبل برخوردار بود. در سال ۱۳۸۷ منازعه برای قدرت همچنان روح کلی حاکم بر تحولات بین‌الملل بود اما شکل و جایگاه قدرت نسبت به سال‌های پیشین تفاوت می‌کرد.

ارائه تصویری عمومی از جهان سال ۸۷ به‌گونه‌ای که بتواند تحولات اصلی و عمده آن را شامل شود و روندهای حاکم بر آن را به‌گونه‌ای توضیح دهد که گذشته را به حال و آینده پیوند زند کار بسیار مشکلی است زیرا ممکن است از یک‌سو با نگاهی افراطی دچار واقعه‌نگاری پراکنده شویم و صرفاً وقایع اتفاق‌افتاده را بدون توجه به دلایل و توضیح آنها ذکر کنیم و از سوی دیگر با رویکردی تفریطی به دنبال یک نظریه بزرگ (مگاتئوری) برای توضیح همه پدیده‌های بین‌المللی باشیم و تحولات جهان را معلول یک علت واحد بدانیم.

جستجوی نظریه‌ای که بتواند عمده تحولات بین‌المللی را توضیح دهد یکی از دلمشغولی‌های اصلی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل است که مدتی است در طرح نظریه‌های جدید ساکت هستند و در نظریه‌های پست مدرنیستی و سازه‌انگاری باقی مانده‌اند و برخی هم به طرح نظریه‌های قدیمی‌تر روی آورده و مجدداً نظریه‌های رئالیستی (واقع‌گرایانه) را برای توضیح و تحلیل تحولات اخیر و منازعه قدرت در عرصه بین‌المللی بازتعریف می‌کنند.

شاید دلیل مطرح‌نشدن نظریه‌های جدید در روابط بین‌الملل آن است که تحولات بین‌المللی در عرصه واقعیت‌ها سریع‌تر از شکل‌گیری آنها در مفاهیم انتزاعی رخ می‌دهد و وقایعی که رخ می‌دهند به‌گونه‌ای غیرقابل پیش‌بینی است که نظریه‌های مطروحه قدرت توضیح آنها را ندارند.

۱. مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

اگر فروپاشی شوروی در دهه آخر قرن بیستم بطلان تمامی نظریه‌هایی را که ریشه در تحلیل مادی تاریخ داشت، به اثبات رساند بحران مالی دهه اول قرن بیست‌ویکم که در سال گذشته خود را به نمایش گذاشت، تمام نظریه‌هایی که پایان تاریخ را در پیروزی لیبرال دموکراسی و حاکمیت نظام سرمایه‌ای جهانی می‌دانستند به تفکر جدی واداشت و این حقیقت را آشکار ساخت که هنوز ذهن انسان برای درک حقایق هستی در ابتدای راه است. بدون آنکه بخواهیم در جستجوی نظریه یا نظریه‌هایی برای توضیح دلایل تحولات و تغییرات سیستم بین‌المللی در سال ۸۷ باشیم برای درک بهتر، این تحولات را در سرفصل‌های ذیل دسته‌بندی می‌کنیم:

۱. برآمدن قدرت‌های نوظهور

یکی از پدیده‌های قابل توجه در عرصه بین‌المللی برآمدن و خیزش قدرت‌های نوظهور است که در سال گذشته از نمود خاصی در عرصه بین‌الملل برخوردار بود. و این خیزش باعث به چالش کشیده شدن جایگاه قدرت‌های سنتی در نظام بین‌الملل گردید. جایگاه سنتی آمریکا و اروپا در ساختار قدرت بین‌المللی در سال ۸۷ به طرق مختلف سیاسی- نظامی و اقتصادی به چالش کشیده شد که از مهمترین این چالش‌ها می‌توان به سونامی بحران مالی اشاره کرد که تمام دنیا را تحت تأثیر قرار داد و به یک تغییر در موازنه قدرت‌های بین‌المللی ختم گردید که نمود آن شکل‌گیری گروه ۲۰ در عرصه نظام اقتصادی جهان است. جدای از آنکه گروه ۲۰ به چه میزان بتواند به عنوان نماد تحولات اخیر بین‌المللی محسوب شود بیان‌کننده یک حقیقت است که قدرت‌های سنتی به این نتیجه رسیدند که دیگر نمی‌توانند بدون ورود قدرت‌های جدید نظام اقتصادی جهان را مدیریت کنند.

اینکه چه تعریفی از قدرت‌های نوظهور داریم و شامل کدام کشورها می‌شود در بیان این واقعیت تأثیری ندارد که در سال ۸۷ روسیه با قدرت نظامی خود و از طریق ورود به جنگ در گرجستان در مقابل گسترش ناتو به درون حوزه سنتی خود ایستادگی نمود و در مقابل خواسته آمریکا برای استقرار سیستم دفاع موشکی در لهستان و چک مقاومت کرد. چین با قدرت مالی خود به عرصه جدید بین‌المللی وارد شد و به نوعی در اقتصاد آمریکا شریک شد و صحنه جدیدی را در عرصه قدرت اقتصادی برای خود خلق

نمود. هند رشد سریع اقتصادی خود را ادامه داد و پرچم خود را در فضا و اقیانوس‌ها نیز به اهتزاز درآورد و جایگاه کشورهایی چون برزیل، آفریقای جنوبی و مکزیک در نظام بین‌الملل ارتقا یافت و اعتراف به قدرت منطقه‌ای ایران علی‌رغم تمامی فشارهای سیاسی موجود علیه کشورمان به یک واقعیت تبدیل شد.

۲. کاهش نفوذ قدرت‌های غربی

مقایسه میزان قدرت و نفوذ بین‌المللی آمریکا و اروپا در سال ۱۳۸۷ با سال‌های قبل به خوبی مبین این حقیقت است که نفوذ کلی آمریکا در معادلات بین‌المللی کاهش یافته است. درگیر شدن آمریکا در جنگ‌های عراق و افغانستان فشار بیشتری را بر آمریکا در مبارزه علیه تروریسم وارد ساخته و عملاً این کشور را وابسته به ناتو و متحدین خود ساخته است. سایر موضوعات داغ جهانی همچون بحران اتمی کره شمالی و موضوع فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و بحران خاورمیانه برای دیپلماسی آمریکا که تصور می‌کرد اگر اراده کند می‌تواند راه‌حلی برای مدیریت آنها بیابد در سال ۸۷ بیشتر به نماد ضعف آمریکا تبدیل شد.

بحران مالی ۸۷ سیاست‌های داخلی و خارجی آمریکا را تحت تأثیر قرار داد و اقتصاد آمریکا را با رکود مواجه نمود. ارزش دلارا سقوط کرد و میزان بدهی آمریکا به کل اقتصاد جهانی به بالاترین رقم خود رسید به‌گونه‌ای که برای برون‌رفت از مشکلات جاری این کشور مجبور است به همکاری‌ها و هماهنگی‌های بین‌المللی روی آورد.

اولین اولویت کاری اوباما، رئیس‌جمهور جدید آمریکا پرداختن به مدیریت بحران مالی این کشور است و برای این کار مجبور است در سیاست‌های بین‌المللی آمریکا تغییرات بزرگی ایجاد کند اگرچه هنوز آمریکا به عنوان یک ابرقدرت باقی می‌ماند اما ناچار است سیاست خارجی و بین‌المللی دیگری را نسبت به سلف خود دنبال کند.

در اثر بحران مالی اقتصاد اروپا نیز با رشد پایین نزدیک به صفر مواجه شد و روند همگرایی اروپا را متوقف ساخت و پیمان لیسبون اتحادیه اروپا طبق برنامه زمان‌بندی خود به اجرا در نیامد و مشخص شد که هنوز برای همگرایی کامل اروپا راهی طولانی در پیش است. با توجه به رشد سریع قدرت‌های در حال ظهور کشورهای اروپایی احساس خاصی درباره بحران‌های استراتژیک پیدا کرده و درباره ضرورت تقویت

همکاری‌های درون اروپایی بیشتر صحبت می‌کنند و در همین راستا آمریکا و اروپا به ضرورت همکاری و هماهنگی بیشتر در روابط فرآتلانتیکی تأکید می‌کنند و رهبران جدید کشورهای اروپایی بیشتر به موضوع آتلانتیسم توجه نشان می‌دهند.

در سال ۸۷ در عرصه بین‌الملل هم توجه به چندجانبه‌گرایی بیشتر شده و موازنه قدرت‌های بین‌المللی با وجود تنها ابرقدرتی آمریکا در عرصه نظامی خود را بیشتر نمایان ساخت. گفتگوهای جدیدی بین گروه ۸ و رهبران کشورهای در حال رشد (قدرت‌های در حال ظهور) شکل گرفت و گروه ۲۰ به‌عنوان نمادی از همکاری جدید در عرصه بین‌المللی تأسیس گردید.

۳. افزایش منازعات استراتژیک و رقابت‌های ژئوپلتیک

در سال ۱۳۸۷ هر چند شرایط امنیتی جهان به همان شکل گذشته باقی ماند اما تعداد منازعات و جنگ‌ها افزایش یافت. براساس آمار سیپری و دیگر مؤسسات مطالعاتی صلح حدود ۴۶ جنگ محلی یا منازعه مسلحانه در سطح جهان در سال ۸۷ وجود داشت که از این تعداد ۲۱ مورد منازعه جدید محسوب می‌شود. این موضوع نشان‌دهنده آن است که شرایط امنیتی جهان در سال ۸۷ در مقایسه با قبل بدتر و وخیم‌تر شده و بی‌ثباتی و عدم اطمینان در سطح جهان گسترش یافته است.

در یک جمع‌بندی کلی از مجموعه منازعات استراتژیکی و ژئوپلتیکی مختلف می‌توان گفت که در سال ۸۷ روند حل منازعه هسته‌ای کره شمالی آرام بود و کره شمالی در اعلامیه اطلاعات تمام برنامه‌های هسته‌ای خود را در اختیار مذاکره‌کنندگان شش‌جانبه قرار داد. برج خنک‌کننده رآکتور هسته‌ای خود را تخریب کرد و آمریکا نام کره شمالی را از فهرست کشورهای حمایت‌کننده از تروریسم حذف نمود اما علی‌رغم این روند آرام منازعه بین آمریکا و کره شمالی در خصوص راست‌آزمایی فعالیت‌ها ادامه یافت و با موضع‌گیری کره شمالی ادامه مذاکرات شش‌جانبه با مشکل مواجه گردید.

جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم فشارهای سیاسی وارده و تحمیل قطعنامه‌های شورای امنیت ضمن اعلام آمادگی برای مذاکره و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب پیمان عدم اشاعه (NPT) در مقابل زیاده‌خواهی کشورهای غربی ایستادگی کرد و برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خود را ادامه داد. در همین راستا آمریکا و

اروپا قطعنامه دیگری را در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رساندند و به صورت یکجانبه تحریم‌های بیشتری را علیه ایران اتخاذ نمودند و نیروهای آمریکایی اروپایی تراکم بیشتری در خلیج فارس یافتند تا به نوعی سیاست قایق‌های توپدار را همچنان اعمال کرده باشند.

در سال ۸۷ شرایط امنیتی عراق تاحدی بهبود و منازعات و درگیری‌های مسلحانه کاهش یافت؛ اما همزمان شرایط امنیتی در افغانستان و بعد از آن در پاکستان به وخامت گذاشت. طالبان عملیات خود را گسترش دادند و بمباران‌های هوایی نیروهای ائتلاف کشته‌ها و مجروحان بیشتری از غیرنظامیان افغانی و پاکستانی را بر جای گذاشت. بعد از بمب‌گذاری بمبئی در پاییز ۸۷ شرایط موجود بین پاکستان و هند حاد شد و هند با متهم کردن پاکستان و طرح این موضوع که تروریست‌ها در خاک پاکستان آموزش دیده‌اند فشار سختی را بر پاکستان وارد ساخت و این در حالی بود که خود پاکستان درگیر حوادث تروریستی متعددی بود.

ادامه رقابت‌های ژئواستراتژیکی بین آمریکا و ناتو از یک طرف و روسیه از طرف دیگر سرانجام شعله جنگ را در قفقاز جنوبی برافروخت و نیروهای روسی به بهانه حمایت از شهروندان خود در مقابل حمله نظامی گرجستان به اوستیای جنوبی وارد جنگ با گرجستان شدند و نتیجه جنگ با گرجستان آرایش ژئوپلیتیکی جدیدی را در قفقاز جنوبی به وجود آورد.

در خاورمیانه تجاوز جنایتکارانه رژیم صهیونیستی به غزه و کشتار افراد غیرنظامی از دیگر حوادث سال ۸۷ محسوب می‌شود هرچند که نظامیان رژیم صهیونیستی با سببیت و ددمنشی جنایات زیادی را در غزه مرتکب شدند اما ایستادگی قهرمانانه نیروهای مقاومت فلسطینی صحنه جدید دیگری را در صحنه رقابت‌های استراتژیک خاورمیانه شکل داد.

در شمال و شرق آسیا نیز تحولات ناشی از منازعه بین ژاپن و روسیه بر سر جزایر شمالی و منازعه بین ژاپن و کره جنوبی بر سر جزیره «دوکدو»^۱ نسبت به سال‌های گذشته آشکارتر شد و رقابت‌های استراتژیکی در دریای چین، آزمایشات موشکی کره شمالی و رقابت‌های بین تایوان و چین ادامه یافت.

۱. Dokdo, ژاپن در مورد این جزیره با کره اختلاف دارد و ژاپن آن را «تاکه شیما»، Takeshima, می‌نامد.

در آفریقا طرح تأسیس فرماندهی آفریکوم جدی‌تر مطرح شد و آمریکا به دنبال انتخاب‌شدن باراک اوباما که خود را آفریقایی‌تبار می‌داند با نوعی استقبال در حضور در برخی از کشورهای آفریقایی از جمله کنیا روبه‌رو شد. سایر قدرت‌های جهانی از جمله چین و اروپا نیز توجه بیشتری به آفریقا مبذول داشتند و بالاخره آنکه سواحل سومالی و خلیج عدن به منطقه بسیار خطرناکی تبدیل شد و دزدان دریایی کشتی‌های کشورهای مختلف را مورد تهاجم قرار دادند.

سال ۱۳۸۷ برای نیروی رادیکال چپ در آمریکای لاتین سالی خوب محسوب می‌شود. در این سال نیروهای رادیکال چپ در آمریکای لاتین قدرت بیشتری یافتند و تعارض موجود بین آمریکا با کشورهای رادیکال چپ مانند ونزوئلا و بولیوی شکل بارزی یافت. روسیه نیز ناوگان جنگی و هواپیماهای نظامی خود را برای یک تمرین نظامی مشترک به آمریکای لاتین اعزام نمود.

در سال ۱۳۸۷ صحنه فضا و اعماق اقیانوس‌ها وارد رقابت‌های استراتژیکی شد. هند اولین ماهواره خود را در مدار ماه قرار داد. ایران اولین ماهواره خود را با نام امید با موفقیت به فضا فرستاد و چین آزمایشات جدیدی را در فضا به اجرا گذاشت. روسیه نیز در اعماق اقیانوس منجمد شمالی پرچم خود را نصب کرد.

۴. جهانی‌شدن بحران مالی

در سال ۱۳۸۷ جهان شاهد جهانی‌شدن بحران مالی بود که ابتدا از آمریکا شروع شد و بعد کل اقتصاد جهان را تحت تأثیر خود قرار داد.

این بحران که در شهریور ۸۷ (۱۰ سپتامبر ۲۰۰۸) با ورشکستگی بانک برادران لمان آغاز شد و به طوفان مالی بزرگی در وال‌استریت تبدیل گشت به ۱۱ سپتامبر اقتصادی مشهور شد و بزودی باعث سقوط شدید بازار بورس در آمریکا و اروپا شد. اقتصادهای آمریکا و اروپا با رکود مواجه شدند و اقتصاد کشورهای در حال توسعه تحت تأثیر این بحران قرار گرفتند.

سال ۸۷ برای بازار انرژی هم سال خاصی محسوب می‌شود. بهای انرژی در ابتدای سال ۸۷ رو به افزایش گذاشت و در مرداد سال گذشته به بالاترین قیمت تاریخی خود یعنی ۱۴۷/۲۷ دلار در هر بشکه رسید. اما در فاصله کوتاهی این قیمت‌ها رو به

کاهش گذاشت به گونه‌ای که در آذرماه به پایین‌ترین قیمت سال‌های اخیر یعنی ۳۹ دلار در هر بشکه رسید. تغییرات شدید قیمت نفت تحت تأثیر بحران مالی جهانی قرار گرفت و شرایط خاصی را به کشورهای صادرکننده نفت تحمیل نمود. بحران مالی در کشورهای صنعتی باعث بیکاری بسیار زیاد و کاهش قیمت نفت در کشورهای صادرکننده نفت و متوقف‌شدن بسیاری از پروژه‌های عمرانی شد و در نتیجه شرایط خاصی را برای ظهور بحران‌های اجتماعی فراهم ساخت که پیامدهای آن به سال‌های آتی مربوط خواهد شد.

۵. بازتعریف دکترین‌ها و راهبردهای نظامی

در سال ۸۷ شاهد بازتعریف کشورهای عمده جهان از دکترین‌ها و راهبردهای نظامی خود هستیم به گونه‌ای که تمامی قدرت‌های بزرگ توجه ویژه‌ای به نیروهای نظامی خود معطوف می‌دارند و جایگاه بالاتری را برای نیروهای نظامی در تأمین امنیت ملی خود قائل می‌شوند که نتیجه چنین تعریفی افزایش هزینه‌های نظامی در سطح جهان و شکل‌گیری روند جدیدی از رقابت‌های تسلیحاتی است.

در سال ۸۷ آمریکا استراتژی جدید دفاع ملی خود را ارائه نمود و در آن به برخورد متوازن با تهدیدات متنوع تأکید نمود. در این استراتژی جدید آمریکا معتقد است که کشور با تهدیدات و چالش‌های همه‌جانبه مانند جنایات فراملی، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، ظهور قدرت‌های منطقه‌ای چالش‌گر، تهدیدات فضایی و سیبرنتیک، فجایع بزرگ طبیعی و امراض واگیر روبه‌رو است. لذا استراتژی دفاعی آمریکا باید بتواند به همه آنها پاسخ دهد. آمریکا در استراتژی جدید دفاعی خود حفاظت از سرزمین آمریکا، پیروزی در جنگ‌های طولانی‌مدت، تقویت امنیت جهانی دولت آمریکا، مهار منازعات و پیروزی در جنگ‌های متعارف را اولویت خاص دفاعی خود می‌شمارد. رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا تأکید می‌کند که روش متوازن باید بتواند همزمان تهدیدات و چالش‌های متعددی را پوشش دهد در حالی که ظرفیت‌های غیرمتعارف باید تقویت شوند تا برتری آمریکا را در صحنه‌های متعارف حفظ کنند.

روسیه نیز در این سال ابزارهای نظامی جدیدی را برای جلوگیری از تحت فشار نظامی قرار گرفتن از جانب کشورهای غربی به خدمت گرفت و اصلاحات نظامی

جدیدی را مطرح ساخت. حمله نظامی روسیه به گرجستان از نظر روسیه صرفاً یک عملیات نظامی ساده تلقی نشد بلکه از آن به عنوان آزمایشی برای چگونگی پیشبرد اصلاحات در نیروهای نظامی بهره‌برداری شد.

سردوکف وزیر دفاع روسیه اعلام کرد که این کشور سرفرماندهی نظامی خود را از چهار ساختار به دو ساختار کاهش می‌دهد و لشکرهای خود را به تیپ تغییر و در مقابل تیپ‌ها را به نیروهای تاکتیکی ویژه در ارتش تغییر می‌دهد. پایگاه‌های هوایی افزایش می‌یابند و نیروهای مشترک واکنش سریع با پایگاه‌های نظامی هماهنگ می‌شوند. نیروهای مخصوص و تفنگداران دریایی برای مانورهای سریع و شکل‌گیری نیروهای واکنش سریع تقویت می‌گردند.

چین نیز بحث اصلاحات در نیروهای نظامی خود را آغاز نمود و با طرح نوسازی (مدرنیزاسیون) در ارتش، کاهش در تعداد و افزایش در قدرت را مطرح ساخت. چین با توجهی روزافزون به آزمایش در فضای ماورای جو و بهره‌گیری از ماهواره‌ها روی آورده سرمایه‌گذاری ویژه‌ای را در بخش‌های تحقیق و توسعه بخش نظامی خود به عمل آورده است. انگلیس و فرانسه نیز در کنار حفظ و تقویت نیروهای استراتژیک هسته‌ای خود دیدگاه‌های خود را درخصوص استراتژی امنیت ملی مطرح ساختند. انگلیس و فرانسه در قالب اعزام نیروی نظامی به عراق و افغانستان ظرفیت‌های جنگی خود را تقویت کرده و از طریق گسترش ناوگان دریایی خودشان حضور در نقاط مختلف جهان را گسترش دادند و فرانسه برای اولین بار ناوگان دریایی خود را با کمک امارات در کناره‌های خلیج فارس مستقر نمود.

ژاپن نیز با انتشار سند استراتژی دفاعی خود اعلام نمود که با تهدیدات متعددی روبه‌رو است که در رأس این تهدیدات فعالیت‌های تروریستی بین‌المللی است اما همزمان فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی تهدید جدی برای ژاپن محسوب می‌گردد. ژاپن مجبور است به قدرت‌گیری نظامی همسایگان خود توجه کند. سند امنیتی ژاپن پیشنهاد می‌کند که ژاپن باید برای تقویت نیروی نظامی خود در عملیات نظامی مشترک بین‌المللی مشارکت کند و از این طریق ضمن بهبود محیط امنیت بین‌المللی توانمندی‌های نظامی خود را افزایش دهد و در همین راستا ضروری است تا قانون اساسی ژاپن مورد بازنگری قرار گیرد.